

DOI: 10.30512/KQ.2021.15905.2975

رهیافت‌های معرفتی و اخلاقی برای احیای حقیقت اسلام در نامه منسوب به امام صادق (ع)*

زهرا صرفی^۱

فتحیه فتاحی‌زاده^۲

سمیه سروقد مقدم^۳

چکیده

در میان آثار ارزشمند باقی مانده از امام صادق (ع)، نامه‌ای خطاب به اصحاب در تمامی عصرها وجود دارد که توجه و عمل به آن مورد تأکید امام بوده است. در پژوهش حاضر، این نامه با روش تحلیل محتوا به صورت کمی و کیفی واکاوی شده است. حاصل این واکاوی آن است که حضرت بیشترین تأکید را روی واژه «طاعت» دارد. همچنین بر موضوعات «ارتباط با خداوند» و «شناخت اهل باطل» بسیار تأکید شده است. مضامین نامه قابل تقسیم به مضامین معرفتی و اخلاقی است. در بخش مضامین معرفتی و به تعبیر دیگر مضامین اعتقادی، با در نظر گرفتن شرایط مخاطبان، مباحث مرتبط با خداشناسی، امام شناسی و شناخت اهل باطل به گونه‌ای کارکردگرایانه به منظور حفظ بنیان فکری اصحاب بیان شده است. این نگاه کارکردی در بخش اخلاقی که از مباحث مرتبط با اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تشکیل شده نیز، غالب است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت: این نامه، طرح‌ریزی اصول و راهکارهای کاربردی جهت حفظ و توانمندسازی اصحاب از طریق هم‌افزایی و هم‌اندیشی بوده است.

واژگان کلیدی: نامه امام صادق (ع)، تحلیل محتوا، توحید، امام‌شناسی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) / sarfi@alzahra.ac.ir

۲. استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) / f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۳. دانش‌آموخته ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول) / sarvghadmoghaddam@gmail.com

۱- مقدمه

از پرفراز و نشیب‌ترین ادوار تاریخ اسلام، عصر امام صادق (ع) است که از یک طرف عرصه بروز انقلاب‌های متعدد و از طرف دیگر، عرصه بروز مکاتب و ایدئولوژی‌ها و تضاد آراء و افکار بوده است. مواجهه امام (ع) با این شرایط، یک مبارزه اصیل مکتبی بود و بدین طریق توانست اسلام حقیقی را از فتنه‌های اموی-عباسی عبور دهد و به آیندگان برساند. امام صادق (ع) به دلیل فرصت مناسب پدیدآمده ناشی از جو سیاسی متزلزل اواخر حکومت بنی امیه و اوایل حکومت بنی عباس، شرایط مساعدتری برای پرداختن به خدمات فرهنگی و تربیتی در سطح وسیع داشت و توانست فقه، کلام و حدیث شیعه را برای هدایت بشر پربار کند.

در میان آثار ارزشمند به‌جامانده از ایشان نامه‌ای خطاب به اصحاب وجود دارد؛ قابل توجه آنکه این نامه به درخواست کسی نگارش نشده و در واقع، گروه خاصی منظور نظر حضرت نبوده، بلکه نامه سرگشاده و خطاب به اصحاب در تمامی عصرهاست. نکته قابل توجه دیگر، اهمیتی است که امام برای این نامه قائل بوده به‌گونه‌ای که طبق متن روایت، به اصحاب دستور داده است آن را به یکدیگر درس دهند، در آن نگاه کنند، از یاد نبرند و بدان عمل کنند. همچنین امام از اصحاب درخواست می‌کند که درباره این نامه مواردی را مراعات کنند و آن را بپذیرند. اصحاب نیز بنابر اطاعت امر آن حضرت، رساله را در محل نماز خانه‌های خود می‌گذاشتند و چون از نماز فارغ می‌شدند، در آن تفکر می‌نمودند تا به امر حضرت عمل کرده و بدین وسیله مضامین آن را فراموش نکنند (کلینی، ۱۴۲۹ ج ۱۵، صص ۷-۸).

نامه مذکور در آغاز بخش روضه کتاب الکافی قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۷). همچنین متن نامه به‌صورت خلاصه در تحف العقول (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، صص ۳۱۳-۳۱۵)، و سائل الشیعة (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۰۷ و ج ۲۷، صص ۳۷-۳۸)، بخشی از نامه در الفصول المهمة فی أصول الائمة (تکملة الوسائل) (حر عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۵۱)، در جلدهای متعدد مستدرک الوسائل (نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۵۷؛ ج ۷، ص ۳۴؛ ج ۹، ص ۱۴ و ۱۰۴؛ ج ۱۱، ص ۳۳۷ و ۳۶۷ و ج ۱۲، صص ۲۳۳ و ۳۲۵)، سفینه البحار (قمی، ۱۴۱۴، ج ۳، صص ۳۵۲-۳۵۳) و جامع احادیث الشیعة (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۷۳۰) آمده است. در پاره‌ای از منابع به شرح و تبیین نامه حضرت پرداخته شده است. در برخی منابع، شرح نامه با نگاه تفسیری صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه: شرح مازندرانی بر الکافی که در آن متن و شرح نامه به‌صورت کامل بیان شده است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۱۴۱). در بضاعة المزجاة نیز نامه به‌صورت کامل آمده و مؤلف به توضیح کلمات و شرح آن پرداخته است (ابن قاریاغدی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۱). در الوافی متن و شرح نامه به‌صورت کامل آمده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۹۷). سید علاء‌الدین محمد گلستانه اصفهانی در کتابی مستقل به نام «منهج الیقین» به‌طور مبسوط به شرح و تفسیر نامه پرداخته و به روایات بسیاری استشهاد کرده است. همچنین در کتاب مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، نامه به‌صورت کامل آمده ضمن اینکه مؤلف به شرح آن نیز پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۵، ص ۵).

این نامه مشتمل بر معارف کاربردی است که توجه و تقید به آن‌ها در روزگار کنونی نیز می‌تواند راهگشا باشد، به‌ویژه آنکه شرایط حاکم بر جهان اسلام، هم از نظر بروز انقلاب‌های متعدد و هم از نظر بروز مکاتب فکری گوناگون، به دوران امام صادق (ع) شبیه است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف تبیین معارف موجود در این نامه تلاش دارد تا با رویکرد تحلیل محتوا، در دو قالب کمی و کیفی این نامه را واکاوی نماید.

۲- بررسی سندی نامه امام صادق (ع) به اصحاب

کلینی این نامه را به دو سند نقل نموده است:

سند اول، طریق اسماعیل بن جابر و سند دوم، طریق قاسم بن ربیع صحّاف است. روایت اسماعیل بن جابر، اضافاتی بر روایت قاسم بن ربیع داشته که کلینی، بعد از اتمام روایت قاسم، آن بخش افزوده را نقل نموده است. سند اول، طریق اسماعیل بن جابر: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِي، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ فَضَالٍ، عَنْ حَفْصِ الْمُؤَدِّنِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۷).

در سند مذکور، تحویل وجود دارد. تحویل اصطلاحی حدیثی به معنای انتقال از سندی به سند دیگر است (قاسمی، ۱۴۲۷، صص ۲۱۷-۲۱۸)، بدین معنا که گاه برخی از روایات، چند سند دارد و بخش یا بخش‌هایی از این اسناد با هم مشترک‌اند؛ نویسنده برای مشخص کردن تعدد اسناد، بخش مشترک اسناد را با حرف عطف بیان می‌کند که به این روش تحویل گفته می‌شود. لذا این سند در واقع قابل تفکیک به دو سند یا طریق می‌باشد.

طریق اول: محمد بن یعقوب الكلینی قال حدثني علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن فضال عن حفص المؤذن عن أبي عبدالله (ع).

طریق دوم: محمد بن یعقوب الكلینی قال حدثني علي بن إبراهيم عن أبيه عن محمد بن اسماعيل بن بزيع عن محمد بن سنان عن اسماعيل بن جابر عن أبي عبدالله (ع).

در طریق اول، محمد بن یعقوب کلینی در کتب رجالی ثقه و امامی (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۸ / طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۳۹ و بی‌تا، ص ۳۹۵ / حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۵) و علی بن ابراهیم نیز ثقه و امامی (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۰ / حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۰) توصیف شده‌اند. در مورد پدر علی بن ابراهیم یعنی ابراهیم بن هاشم قمی نیز در کتب رجالی توصیفات امامی، ثقه جلیل علی التحقیق آمده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۶ / طوسی، بی‌تا، ص ۱۲ / حلی، ۱۴۱۱، ص ۵). در مورد ابن فضال توصیفات متفاوتهای در کتب رجال آمده است؛ در رجال کشی یک‌بار از اصحاب اجماع (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۵۶) و بار دیگر فطحی (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۶۵) نام برده شده، برخی او را از اصحاب جلیل (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۰) و برخی نیز ثقه (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۴) توصیف کرده‌اند. از حفص المؤذن نیز در کتب ثمانیه رجالی توصیفی نیامده است و آیت‌الله خویی او را مجهول می‌داند (موسوی خویی، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۲۳۹).

در طریق دوم محمد بن اسماعیل بن بزيع، ثقه جليل (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۳۱/حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۰)، ثقه صحیح (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۴) و محمد بن سنان امامی صحیح المذهب ظاهراً (کشی، ۱۳۴۸، صص ۵۰۸-۵۰۹ و ۵۸۲-۵۸۴) اسماعیل بن جابر نیز ثقه ممدوح (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴/حلی، ۱۴۱۱، ص ۸) توصیف شده‌اند؛ بنابراین، در این طریق راویان به وثاقت یا امامی مذهب بودن توصیف شده‌اند.

سند دوم: «قَالَ: وَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّحَّافِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸).

مراد از حسین بن محمد، حسین بن محمد الأشعری می‌باشد که استاد کلینی است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۸) و در کتب رجال، ثقه توصیف شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۶۶/حلی، ۱۴۱۱، ص ۵۲). اقوال رجالی در مورد جعفر بن محمد بن مالک مختلف است؛ برخی او را متروک الحدیث (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ص ۴۸/نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۲) و برخی وی را ثقه (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۸) دانسته‌اند. قاسم بن ربیع صحاف ضعیف توصیف شده است (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ص ۸۶/حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۴۸). درباره اسماعیل بن مخلد سراج در کتب ثمانیه رجالی اطلاعی نیست و آیت‌الله خویی او را ظاهراً همان اسماعیل السراج می‌داند که از یونس بن یعقوب و علی بن مهزیار روایت کرده است (موسوی خویی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۰۵).

ملاصالح مازندرانی ضمن پرداختن به شرح نامه در مورد متن و سند آن می‌گوید: در نظر متأخران همه طرق حدیث ضعیف است؛ لکن آثار صحت از مضمون و محتوای نامه مشخص می‌شود و عقل و نقل آن را تأیید می‌کند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۱۴۱). ابن قاریاغدی ضمن آنکه طریق دوم روایت را در نزد برخی معتبر برمی‌شمرد، اسناد روایت را ضعیف و مجهول دانسته، اما معتقد است آثار صحت از سیاق نامه مشخص می‌گردد و مضامین و حکمت‌های نامه با عقل و نقل تأیید می‌شود (ابن قاریاغدی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۷۴). علامه مجلسی نیز طریق دوم را به دلیل وجود ابن سنان نزد قوم ضعیف برمی‌شمرد؛ لکن خودش این طریق را معتبر دانسته است. ضمن آن‌که سایر سندها را ضعیف و مجهول برمی‌شمرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۵، صص ۵-۶).

وجود سندی از این روایت که راویان در آن به وثاقت یا امامی مذهب بودن توصیف شده‌اند و معتبر بودن این سند در نزد برخی علماء، مشخص بودن آثار صحت از مضمون و محتوای نامه و تأیید این محتوا با عقل و نقل

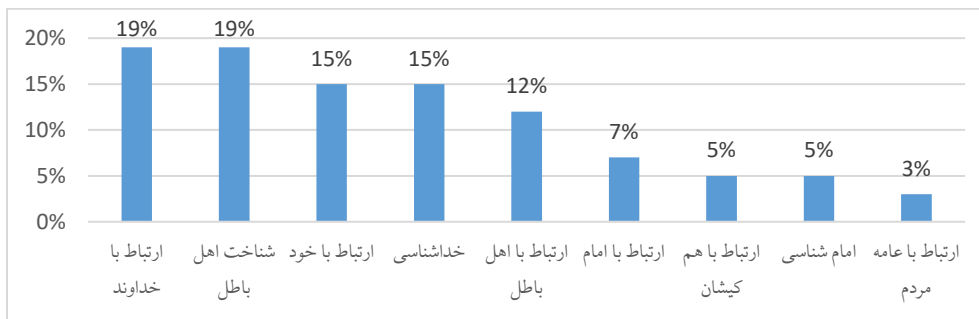
۱. در مورد محمد بن سنان اقوال رجالی مختلفی وجود دارد. شیخ مفید وی را ثقه دانسته (حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۱). در مواردی مورد مدح قرار گرفته (کشی، ۱۳۴۸، صص ۵۰۲-۵۰۴) و در مواردی ضعیف قلمداد گشته است (ابن غضائری، ۱۳۶۴، ص ۹۲/نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۸/طوسی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۴ و بی‌تا، ص ۴۰۷). علامه حلی نیز به دلیل این اختلاف اقوال، در مورد او رأی به توقف داده است (حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۵۱). البته به گفته محققان، روایات مدح محمد بن سنان، کثرت روایت اجلاء از او، هم‌نشینی وی با حضرات ائمه (ع) و بزرگان اصحاب، توجه اصحاب به محمد بن سنان و نقل روایاتش، تعداد زیاد روایات او در کتب روایی و بررسی احوال و رفتار وی در کنار هم، نه تنها بیانگر وثاقت او در نقل احادیث، بلکه نشان از جایگاه رفیعش نزد امامان و اصحاب خاص ایشان دارد (مهدوی‌راد و جباری، ۱۳۹۱، ص ۵۹).

مطابق با نظر علماء، وجود نامه در کتب معتبر، پرداختن علمای بزرگ به شرح نامه در مجموعه‌های روایی معتبر و گاه به صورت مستقل و مفصل، از جمله دلایل گزینش این محتوا بوده است.

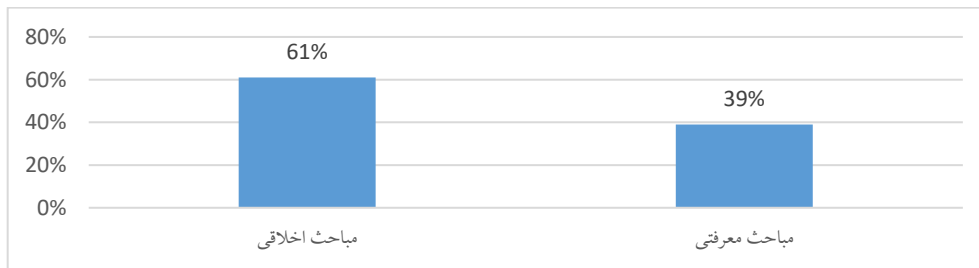
۳- تحلیل محتوای کمی نامه امام صادق (ع) به اصحاب

تقطیع نامه به واحد جملات و درج آن در جدول انجام شد و سپس واژه‌های کلیدی، مضامین فرعی نامه و مضمون اصلی به ازای هر واحد استخراج گردید و موضوعات اصلی هم‌سو با یکدیگر، تحت عنوان جهت‌گیری در یک دسته قرار گرفت؛ جهت‌گیری‌های مفهومی نیز در دو مقوله کلی مباحث معرفتی و مباحث اخلاقی قرار گرفت تا در مجموع چهارچوب مفهومی حاکم بر نامه استخراج گردد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: سروقد مقدم، ۱۳۹۸، تمام اثر).

بر اساس نمودار شماره ۱، مقوله‌های «ارتباط با خداوند» و «شناخت اهل باطل» بیشترین فراوانی موضوعی را در نامه به خود اختصاص داده‌اند؛ این مطلب می‌تواند نشان‌دهنده اهتمام امام بر متوجه ساختن اصحاب به شناخت اهل باطل و هدایت ایشان به سوی ارتباط با خداوند باشد.

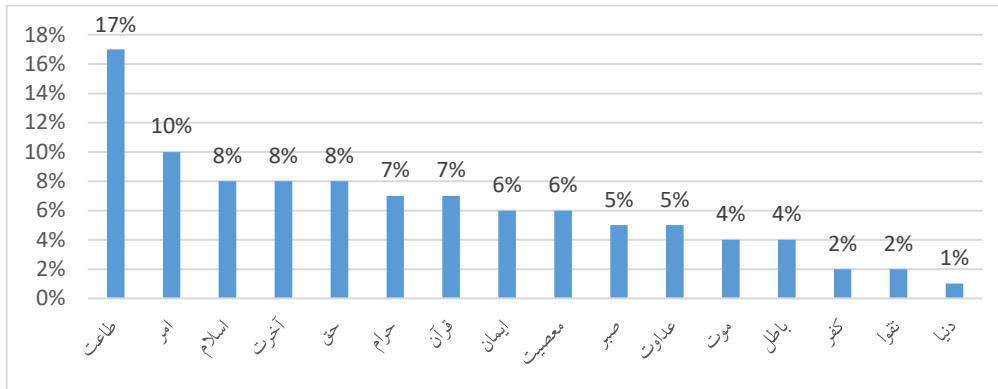


نمودار ۱. فراوانی موضوعات اصلی



نمودار ۲. فراوانی مباحث اخلاقی و معرفتی

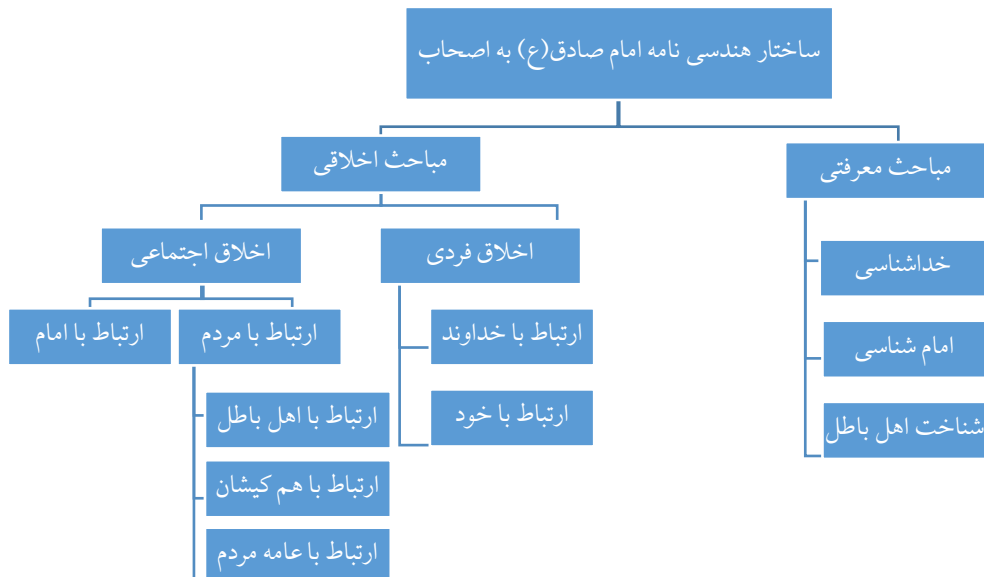
بر مبنای نمودار شماره ۲، فراوانی مباحث معرفتی که شامل خداشناسی، امام‌شناسی و شناخت اهل باطل است؛ ۳۹٪ و بسامد مباحث اخلاقی که شامل اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی است؛ ۶۱٪ می‌باشد. لذا می‌توان گفت در مقایسه میان مباحث معرفتی و مباحث اخلاقی، در این نامه بیشتر به مباحث اخلاقی پرداخته شده است.



نمودار ۳. فراوانی واژه‌های کلیدی

چنانکه نمودار فراوانی واژه‌های کلیدی نشان می‌دهد، کلیدواژه «طاعت» بیشترین فراوانی را در نامه به خود اختصاص داده است. بیشترین کاربرد واژه «طاعت» در مورد طاعت از خداوند، سپس در مورد طاعت از ائمه (ع) و در بقیه موارد به منظور نهی از اطاعت ائمه ضلالت و کسانی که خداوند از طاعت ایشان نهی کرده استفاده شده است. واژه پرکاربرد بعدی واژه «امر» است که در تمام موارد برای امر خداوند بکار رفته است. این مسأله می‌تواند بیانگر تأکید امام بر خدامحوری و توجه دادن اصحاب به اوامر الهی باشد.

شکل شماره ۱ ساختار هندسی نامه امام صادق (ع) به اصحاب را بر مبنای تحلیل محتوای کمی نشان می‌دهد.



شکل ۱. ساختار هندسی نامه امام صادق (ع) به اصحاب بر اساس تحلیل محتوای کمی

۴- تحلیل محتوای کیفی نامه امام صادق (ع) به اصحاب

نتایج تحلیل محتوای کمی، پشتوانه مناسبی برای مرحله تفسیری یا تحلیل کیفی است؛ بر این اساس دو رویکرد اصلی معرفتی و اخلاقی در این نامه ملحوظ است.

مراد از معرفت در اینجا باور، بلکه باور قطعی است. باورها و اعتقادات هر فرد، اساس همه جهت‌گیری‌های او در زندگی فردی و اجتماعی است. اعتقاد جمع عقیده از ماده عقد به معنای بستن و گره زدن است. پیوند و بستن چیزی به چیز دیگر گاه حقیقی و مادی است و گاه اعتباری و معنوی. از این رو، عقیده چیزی است که به ذهن و فکر و جان انسان بسته می‌شود و پیوند می‌خورد. پس پذیرفتن هر نظریه حق یا باطل، بسته‌شدن یا گره خوردن آن نظریه به ذهن است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ص ۱۳). با توجه به نقش مبنایی معرفت در تعیین مسیر زندگی انسان، امام صادق (ع) در این نامه بر ایجاد معرفت صحیح، نسبت به بنیادی‌ترین مسأله دینی یعنی معرفت صحیح نسبت به خداوند متعال تأکید دارد. همچنین بر امام‌شناسی و در برابر آن بر شناخت اهل باطل توجه جدی دارد. موضوعات اصلی مانند صفات و افعال خداوند، حق خداوند در ذیل بحث خداشناسی و موضوعات اصلی مرتبط با شناخت امام مانند معرفی امام و ویژگی امام در دسته امام‌شناسی قرار گرفته است. همچنین حضرت صادق (ع) در این نامه، برخی افراد را با عناوین اهل باطل، دشمنان خدا، افراد شقی، شیاطین انس، ائمه ضلالت، منافق و کافر معرفی می‌نماید؛ موضوعات اصلی که به شناسایی این دسته از افراد مرتبط است، مانند خصوصیات و اهداف ایشان در دسته شناخت اهل باطل قرار گرفته است.

مباحث اخلاقی به مباحث مرتبط با صفات نفسانی اختصاص دارد که منشأ صدور کارهای خوب یا بد شده و به حوزه عمل مربوط می‌شود که در دو بخش اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی قرار گرفته است. اخلاق فردی، به ارتباط فرد با خویشستن و رابطه فرد با خدای خویش می‌پردازد. اخلاق اجتماعی نیز مربوط به حوزه اجتماعی انسان است و به رعایت اصول مربوط به ارتباط فرد با دیگران بازمی‌گردد.

موضوعات مرتبط با اخلاق اجتماعی در این نامه به رابطه بنده با امام، شیوه تعامل با مردم به صورت عام، نحوه ارتباط با اهل باطل و شیوه ارتباط با هم‌کیشان به صورت خاص مربوط بوده که در مقوله‌های ارتباط با امام، ارتباط با عامه مردم، ارتباط با اهل باطل و ارتباط با هم‌کیشان قرار گرفته است.

۴-۱- مباحث معرفتی

چنانکه از نتایج تحلیل محتوای کمی به دست آمد، حضرت به مقوله‌های معرفتی خداشناسی، امام‌شناسی و شناخت اهل باطل پرداخته است که در این بخش مورد تحلیل کیفی قرار می‌گیرند.

۴-۱-۱- خدائشناسی

از نظر امام صادق (ع)، توجه اصحاب به ربوبیت الهی حایز اهمیت است.^۱ رب در اصل به معنای گرایش دادن یک چیز به سمت کمال و از میان بردن نقایص آن است؛ گاه از طریق کاستن و پیراستن و زمانی از راه افزودن و آراستن؛ این کمال بخشی گاه، در امور ذاتی و گاه، در امور عرضی است و زمانی در اعتقادات و معارف و گاه، در صفات و اعمال و آداب و اخلاق و علوم است. بر مبنای کمال بخشی رب، معانی مانند مالکیت، مصاحبت، سیادت، قیمومیت و... در شمار معانی ثانوی و از لوازم معنای اصلی به حساب می آید (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴، صص ۲۲-۲۳).

بنابراین، می توان استنباط نمود اگر در نامه از مالکیت، خالقیت و... سخن به میان نیامده و تنها به ربوبیت الهی اشاره شده است، آن هم پس از سفارش های مکرر بر طاعت و اجتناب از معصیت، از آن روست که آنچه می تواند انسان را به کرنش و اطاعت ... وادارد، درک آفرینشی است که از ربوبیت و تربیت عالی الهی نشئت می گیرد؛ لذا می توان گفت هدف امام (ع)، تذکر این معنا به اصحاب به منظور هدایت ایشان به سوی طاعت خداوند بوده است.

تکرار عباراتی نظیر «وَلَا قُوَّةَ لَنَا وَلَا لَكُمْ إِلَّا بِاللَّهِ» (وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) در نامه امام صادق (ع)، تأکید بر آن است که به طور مستقیم همه قوه ها و حول ها به الله اختصاص دارد و این نکته تبیینی برای توحید افعالی است. «توحید افعالی به این معناست که جز خدای سبحان هیچ مؤثر مستقلی در عالم نیست و قیمومیت هستی، آفرینش، مالکیت، ربوبیت، رازقیت و ولایت که هر یک بر دیگری مترتب بوده، تنها از آن خداست» (صفائی اصل و ارتقائی، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

در برابر لطف بیکران الهی بر مردم، حق خداوند متعال بر مردم آن است که در طاعت الهی که ضامن سعادت ابدی ایشان است، استقامت بورزند. امام صادق (ع) با تقدم سوگند بر اهمیت این حق و لزوم توجه به آن تأکید می نماید.^۲ افزون بر آن پرسامدترین کلیدواژه این نامه «طاعت» است که می تواند مؤیدی بر تأکید حضرت نسبت به لزوم اطاعت مردم از اوامر الهی باشد.

بیان آثار و نتایج تقید به طاعت الهی و نیز آثار عدم تقید به آن، راهبرد دیگر امام برای تشویق اصحاب بدین امر است و حضرت با تکیه بر این راهبرد کارکردی، تلاش دارد تا اصحاب را به توحیدمحوری در تمام ابعاد زندگی رهنمون شود. برخی از این آثار در کلام امام عبارتند از: دستیابی به خیر و پاداش الهی^۳، کسب رضایت الهی^۴

۱. «فَإِنَّ اللَّهَ رَبُّكُمْ».

۲. «وَ اللَّهُ إِنْ لِيَّ عَلَى خَلْقِهِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَيَتَّبِعُوا أَمْرَهُ فِي حَيَاةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ».

۳. «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُدْرِكُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ؛ وَ لَنْ يُنَالَ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ؛ فَمَنْ اتَّبَعَ أَمْرَهُ فَقَدْ أَطَاعَهُ وَ قَدْ أَدْرَكَ كُلَّ شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ عِنْدَهُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ عَجَلَ حُقُوقَ اللَّهِ قَبْلَهُ، كَانَ اللَّهُ أَقْدَرَ عَلَى التَّعْجِيلِ لَهُ إِلَى مُضَاعَفَةِ الْخَيْرِ فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَبْلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فِي الْإِحْسَانِ... فَلِأَهْلِ الْإِحْسَانِ عِنْدَ رَبِّهِمُ الْجَنَّةُ».

۴. «وَ اعْلَمُوا أَنَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِ اللَّهِ لَمْ يُصِبْ رِضَا اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ وَ طَاعَةِ وِلَاةِ أَمْرِهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».

و محبوب خدا شدن^۱، صبر و رضا^۲، افزایش رزق و طیب شدن آن^۳، احسان به خویشان^۴ و بهره‌مندی از شفاعت^۵ همچنین برخی آثار خودداری نکردن از نهی الهی و عصیان خداوند^۶ عبارت‌اند از: خشم خداوند و عذاب الهی^۷، تغییر نعمت^۸، بدی به خویشان^۹، تأخیر و حبس روزی^{۱۰}.

۴-۱-۲- امام‌شناسی

انحراف از مسیر امامت، از مهم‌ترین انحرافات بود که به دلیل عدم شناخت امام و جایگاه امامت در جامعه اسلامی رخ داد؛ از این رو، یکی از مسائلی که ائمه اطهار (ع) بدان اهتمام داشته‌اند، شناساندن جایگاه امام و امامت بوده است. لازم به توضیح است مباحثی که در تحلیل کتبی در مقوله‌ی «ارتباط با امام» قرار گرفته بود، از آنجاکه مرتبط با حق امام بر مردم است در تحلیل کیفی ذیل مقوله‌ی «امام‌شناسی» بسط داده شده است.

امام صادق (ع) به منظور معرفی امام و جایگاه امامت به الهی بودن انتصاب امام می‌پردازد. این بیان حضرت، موضع‌گیری ایشان در برابر اعتقادات اشاعره و اهل حدیث را نشان می‌دهد؛ زیرا به اعتقاد این دو گروه، بر مردم شرعاً واجب است که امام انتخاب کنند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۲، ص ۵۰۷)، در حالی که امام صادق (ع) در این نامه بیان فرموده‌اند، امامان نمایندگان الهی در بین مردم، جانشینان و نمایندگان امر خداوند در زمین‌اند^{۱۱}؛ لذا این گونه نیست که هرکسی، شایستگی جایگاه امامت را داشته باشد و یا اینکه مردم نقشی در انتخاب امام داشته باشند. حضرت امامان را دارای مقام و فضیلتی می‌داند که برای مردم غیرقابل درک است^{۱۲}. همچنین ایشان پذیرش

۱. «وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ، فَلْيُعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ».

۲. «لِأَنَّ الصَّبْرَ وَ الرِّضَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ».

۳. «فَأَدُّوا إِلَى اللَّهِ حَقَّ مَا رَزَقَكُمُ، يُطَيِّبْ لَكُمْ بَقِيَّتَهُ وَ يُنَجِّزْ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمُ مِنْ مُضَاعَفَتِهِ لَكُمْ الْأَضْعَافَ الْكَثِيرَةَ الَّتِي لَا يَعْلَمُ عَدَدَهَا وَ لَا كُنْهَ فَضْلِهَا إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

۴. «وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فِي الْإِحْسَانِ فَلْيُطِيعِ اللَّهَ فَإِنَّهُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَبْلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فِي الْإِحْسَانِ».

۵. «فَمَنْ سَرَّهُ أَنْ تَنْفَعَهُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ، فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ».

۶. «وَمَنْ لَمْ يَنْتَهَ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فَقَدْ عَصَاهُ».

۷. «فَإِنَّ مَاتَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ يَجْهَلُ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي كِتَابِهِ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْهُ، تَرَكَ دِينَ اللَّهِ، وَ رَكِبَ مَعَاصِيَهُ، فَاسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ، فَأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ؛ وَ لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عِنْدَ رَبِّهِمْ النَّارُ».

۸. «لَا تَتْرَكُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ أَمْرَ مَنْ أَمَرَكُمْ بِطَاعَتِهِ، فَيُعِيرَ اللَّهُ مَا يَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ».

۹. «فَإِنَّهُ مَنِ انْتَهَكَ مَعَاصِيَ اللَّهِ فَرَكِبَهَا، فَقَدْ أَبْلَغَ فِي الْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِهِ».

۱۰. «وَ إِنَّهُ مَنْ أَخَّرَ حُقُوقَ اللَّهِ قَبْلَهُ، كَانَ اللَّهُ أَقْدَرَ عَلَى تَأْخِيرِ رِزْقِهِ وَ مَنْ حَبَسَ اللَّهُ رِزْقَهُ، لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَرْزُقَ نَفْسَهُ».

۱۱. «وَ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ عِلْمَ الْقُرْآنِ وَ وَضَعَهُ عِنْدَهُمْ وَ أَمَرَ بِسُؤَالِهِمْ».

۱۲. «فَهَذَا وَجْهٌ مِنْ وَجُوهِ فَضْلِ اتِّبَاعِ الْأَيْمَةِ، فَكَيْفَ بِهِمْ وَ فَضْلِهِمْ؛ لِأَنَّ فَضْلَهُمْ لَا يَبْلُغُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا مَنْ دُونَ ذَلِكَ».

فضیلت امام را با داشتن ایمان مرتبط دانسته و یکی از شرایط ایمان حقیقی را تسلیم بودن در برابر فضل امام برمی‌شمارد.^۱

امام صادق (ع) در این نامه، امامان را از خاندان محمد (ص) معرفی می‌کند^۲ و با عناوین اهل قرآن^۳، اهل علم قرآن^۴ و اهل ذکر^۵ که بیانگر رابطه امام و قرآن است، از آن‌ها نام می‌برد.

یکی از صفات مهم اشاره شده در نامه، صفت علم الهی امام است. در نامه به موضوع این علم که علم قرآن می‌باشد نیز اشاره شده^۶ و عنوان شده آنچه امامان درباره قرآن بیان می‌کنند از علم الهی ایشان نشأت گرفته و به واسطه این علم الهی، امامان جایز به پیروی از هوا و رأی و قیاس در قرآن نیستند و از آن بی‌نیاز گشته‌اند.^۷

امام صادق (ع) با استناد به حدیث نبوی، شیوهی فقهایی که فقه را بر اساس منابع غیر صحیح آن مثل رأی و قیاس استنباط می‌کردند، نفی کرده و موضع اسلام حقیقی در برابر آن را نشان می‌دهد.^۸

علاوه بر این در مقوله امام‌شناسی، حضرت به وظیفه تعلم و آموختن قرآن و هدایتگری امام اشاره می‌فرماید^۹، هدایتی که جامع بوده و به وسیله قرآن و با اذن و امر خدا صورت می‌گیرد. امام صادق (ع) شرط بهره‌مندی از این هدایت را نیز بیان نموده که عبارت است از اینکه افراد خواستار این هدایت باشند و امامان را تصدیق و از آن‌ها پیروی نمایند.^{۱۰}

۱. «وَقَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقًّا حَقًّا، فَلْيَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، وَلْيَتَّزِلْ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّهِمْ، وَبُسَلَّمَ لِمَا آتَيْتَهُ إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِهِمْ؛ وَ لَمْ يُكْرَلْ لَهُمْ فَضْلًا عَظِيمًا أَوْ صَغِيرًا».
۲. «أُولَئِكَ الَّذِينَ اللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛ عَلَيْكُمْ بِآثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ، وَ آثَارِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ سُنَّتِهِمْ؛ طَاعَةَ وَلَا أَمْرًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».
۳. «وَجَعَلَ لِلْقُرْآنِ وَ لَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَهْلًا».
۴. «لَا يَسْعُ أَهْلُ عِلْمِ الْقُرْآنِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ عِلْمَهُ أَنْ يَأْخُذُوا فِيهِ بِهَوَى وَلَا رَأْيٍ وَلَا مَقَائِسٍ».
۵. «هُمُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِسُؤَالِهِمْ».
۶. «الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ عِلْمَ الْقُرْآنِ وَ وَضَعَهُ عِنْدَهُمْ».
۷. «لَا يَسْعُ أَهْلُ عِلْمِ الْقُرْآنِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ عِلْمَهُ أَنْ يَأْخُذُوا فِيهِ بِهَوَى وَلَا رَأْيٍ وَلَا مَقَائِسٍ؛ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ بِمَا آتَاهُمْ مِنْ عِلْمِهِ وَ حَصَّهْمُ بِهِ وَ وَضَعَهُ عِنْدَهُمْ كِرَامَةً مِنَ اللَّهِ أَكْرَمَهُمْ بِهَا».
۸. «وَقَدْ قَالَ أَبُوْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُدَاوِمَةُ عَلَى الْعَمَلِ فِي اتِّبَاعِ الْأَثَارِ وَ السُّنَنِ - وَإِنْ قَلَّ - أَرْضَى لِلَّهِ وَ أَنْفَعُ عِنْدَهُ فِي الْعَاقِبَةِ مِنَ الْاجْتِهَادِ فِي الْبِدْعِ وَ اتِّبَاعِ الْأَهْوَاءِ، أَلَا إِنَّ اتِّبَاعَ الْأَهْوَاءِ وَ اتِّبَاعَ الْبِدْعِ بَعْضُ هُدَى مِنَ اللَّهِ ضَلَالٌ، وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ بِدْعَةٌ، وَ كُلُّ بِدْعَةٍ فِي النَّارِ».
۹. «وَجَعَلَ لِلْقُرْآنِ وَ لَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَهْلًا؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَخَذَ بِذَلِكَ فَقَدْ اهْتَدَى».
۱۰. «وَهُمُ الَّذِينَ مَنْ سَأَلَهُمْ - وَ قَدْ سَبَقَ فِي عِلْمِ اللَّهِ أَنْ يُصَدِّقَهُمْ وَ يَتَّبِعَ آثَرَهُمْ - أَرْضَدُوهُ وَ أَعْطُوهُ مِنْ عِلْمِ الْقُرْآنِ مَا يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ إِلَى جَمِيعِ سُبُلِ الْحَقِّ».

از نگاه امام صادق (ع) اطاعت پروردگار و پیروی از امام ملازم یکدیگر است. ایشان با سوگند خوردن، بر اهمیت این مسأله تأکید کرده و آن را راهی برای محبوب شدن در نزد خداوند و بخشایش گناهان بیان می‌فرماید.^۱ در مقوله امام‌شناسی، امام صادق (ع) در مجموع به رابطه امام با خداوند، امام با قرآن و امام با مردم و وظیفه هدایتگری امام نسبت به مردم توجه داشته است و از آنجاکه لازمه هدایتگری علم است؛ ایشان در بحث صفات امام به مسأله علم الهی امام پرداخته و به فلسفه یا ضرورت وجود امام و سایر ویژگی‌ها از جمله مسأله مهم عصمت اشاره نمی‌کند. در مقابل حضرت در فرازهای مختلف به لزوم پیروی از امام و لازم‌الاطاعه بودن امام تأکید می‌نماید؛^۲ از این رو، شاید بتوان این‌گونه استنباط نمود، از آنجاکه امام نامه را خطاب به افرادی نوشته که مسأله امامت را پذیرفته‌اند، در پی اثبات جایگاه امامت و یا شرح کامل اوصاف امام نبوده و به عبارت دیگر، رویکرد ایشان در نامه به بحث امام‌شناسی رویکرد اثباتی نیست؛ بلکه رویکردی کارکردگرایانه است که نیازمندی اصحاب به امام را یادآور می‌شود تا ایشان از رأی و قیاس و هوای نفس پیروی نکنند. در واقع، اهتمام حضرت در راستای تمسک همیشگی اصحاب به امام و بهره‌مندی آن‌ها از شأن هدایتگری این بزرگواران به جهت بیمه کردن و حفظ مکتب و بنیان فکری‌شان بوده است.

۴-۱-۳- شناخت اهل باطل

با توجه به نتایج تحلیل محتوای کمی، «شناخت اهل باطل» یکی از مقوله‌های مورد توجه امام در نامه است؛ به‌گونه‌ای که موضوعات اصلی مرتبط با این مقوله بیشترین فراوانی را دارد. شناخت این گروه در عصر حضرت صادق (ع) که عصری منحصربه‌فرد به لحاظ نهضت‌ها و انقلاب‌های فکری و سیاسی بوده، اهمیتی دوچندان داشته است.

۱. «وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ، فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ لِيَتَّبِعَنَا، أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»؛ وَ اللَّهُ لَا يُطِيعُ اللَّهُ عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَدْخَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِهِ اتِّبَاعَنَا، وَ لَا وَ اللَّهُ لَا يَتَّبِعُنَا عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَحَبَّهُ اللَّهُ».
۲. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هُمُ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ وَ لَا يَتَّبِعُهُمْ؛ لَا تَتْرَكُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ أَمْرَ مَنْ أَمَرَكَم بِطَاعَتِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِوِلَايَةِ الْأَنْبِيَاءِ؛ وَ هُمُ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِوِلَايَتِهِمْ وَ طَاعَتِهِمْ».

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی نامه، امام صادق (ع) به ویژگی‌های اعتقادی^۱، اخلاقی^۲ و موضع مخالف اهل باطل در برابر احکام الهی پرداخته^۳، همچنین عوامل منجر به انحراف در این افراد را بیان فرموده است؛ این عوامل عبارت‌اند از: دوری کردن از ائمه اطهار (ع)^۴، تشخیص نادرست^۵، حق ناپذیری و مطابق حق عمل نکردن^۶، ضیق صدر^۷، عدم تفقه در دین^۸، مخالفت با دستورات الهی و پیروی از هوای نفس^۹، نفوذ شیطان در ایشان^{۱۰} و در نتیجه واگذار شدن به خود توسط خداوند.^{۱۱}

حضرت به منظور تبیین چگونگی کارکرد عوامل منجر به انحراف از مسیر حق، به واقعه غدیر خم و ماجرای سقیفه بنی ساعده می‌پردازد^{۱۲}؛ پس می‌توان گفت در نگاه امام صادق (ع)، واقعه غدیر خم و ماجرای سقیفه بنی ساعده یک واقعه‌ی تاریخی پشت سر گذاشته شده و محصور در زمان و بدون کارکرد نیست؛ بلکه حیات داشته و می‌تواند در هر زمانی جریان یابد و برای هر زمانی عبرت‌آموز باشد. امام صادق (ع) اهداف اهل باطل را دین زدایی و بازدارندگی از راه حق^{۱۳}، گمراه کردن و نابودی اهل حق بیان می‌نماید^{۱۴} و شیوه آن‌ها برای رسیدن به

۱. «إِزَادَةٌ أَنْ يَسْتَوِيَ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ أَهْلُ الْحَقِّ - فِي الشُّكِّ وَ الْإِنْكَارِ وَ التَّكْذِيبِ فَيَكُونُونَ سَوَاءً».

۲. «وَ تَعْرِفُونَ فِي وَجْهِهِمُ الْمُنْكَرَ وَ مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنَ الْعِدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ أَكْثَرَ مِمَّا يُبْدُونَ لَكُمْ؛ تَحَمَّلُوا الصِّبَمَ مِنْهُمْ فَإِذَا ابْتَلَيْتُمْ بِذَلِكَ مِنْهُمْ فَإِنَّهُمْ سَيُؤْذُونَكُمْ وَ هُمْ لَا مُجَامَلَةَ لَهُمْ وَ لَا صَبْرَ لَهُمْ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أُمُورِكُمْ وَ حَتَّى يَسْتَذِلُّوكُمْ وَ يُبْغِضُوكُمْ وَ حَتَّى يُحْمَلُوا عَلَيْكُمْ الصِّبَمَ وَ حَتَّى تَكْظُمُوا الْغَيْظَ الشَّدِيدَ فِي الْأَذَى فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَجْتَرِ مَوْنَهُ إِلَيْكُمْ وَ حَتَّى يَكْذِبُوكُمْ بِالْحَقِّ وَ يُعَادُوكُمْ فِيهِ وَ يُبْغِضُوكُمْ عَلَيْهِ؛ فَقَدْ كَذَّبَ نَبِيُّ اللَّهِ وَ الرَّسُلُ مِنْ قَبْلِهِ وَ أُوذُوا مَعَ التَّكْذِيبِ بِالْحَقِّ».

۳. «وَ حَتَّى جَعَلُوا مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأُمْرِ حَرَامًا وَ جَعَلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ حَلَالًا».

۴. «وَ هُمْ الَّذِينَ لَا يَرْغَبُ عَنْهُمْ وَ عَنْ مَسْأَلَتِهِمْ وَ عَنْ عِلْمِهِمُ الَّذِي أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ جَعَلَهُ عِنْدَهُمْ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ فِي عِلْمِ اللَّهِ الشَّقَاءَ فِي أَصْلِ الْخَلْقِ تَحْتَ الْأُظْلَمَةِ؛ الَّذِينَ يَرْغَبُونَ عَنْ سُؤَالِ أَهْلِ الذِّكْرِ».

۵. «لِأَنَّهُمْ جَعَلُوا أَهْلَ الْإِيمَانِ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ عِنْدَ اللَّهِ كَافِرِينَ وَ جَعَلُوا أَهْلَ الضَّلَالَةِ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ عِنْدَ اللَّهِ مُؤْمِنِينَ».

۶. «فَإِنْ جَرَى عَلَى لِسَانِهِ حَقٌّ لَمْ يُعْقِدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ وَ إِذَا لَمْ يُعْقِدْ قَلْبُهُ عَلَيْهِ لَمْ يُعْطِهِ اللَّهُ الْعَمَلَ بِهِ».

۷. «وَ كَانَ صَدْرُهُ ضَيْقًا حَرَجًا».

۸. «يُرِيدُونَ إِنْ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَرُدُّوا أَهْلَ الْحَقِّ عَمَّا أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ النَّظَرِ فِي دِينِ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ شَيْطَانِ الْإِنْسِ مِنْ أَهْلِهِ».

۹. «وَ جَعَلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ حَلَالًا فَذَلِكَ أَصْلُ تَمَرَّةِ أَهْوَانِهِمْ».

۱۰. «وَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ بِأَهْوَانِهِمْ وَ آرَائِهِمْ وَ مَقَابِسِهِمْ حَتَّى دَخَلَهُمُ الشَّيْطَانُ».

۱۱. «وَ إِذَا لَمْ يَرُدَّ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ».

۱۲. «وَ قَدْ عَهَدَ إِلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ فَقَالُوا: نَحْنُ بَعْدَ مَا قَبِضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ نَسَعَنَا أَنْ نَأْخُذَ بِمَا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ رَأْيُ النَّاسِ بَعْدَ قَبْضِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بَعْدَ عَهْدِهِ الَّذِي عَهَدَهُ إِلَيْنَا وَ أَمَرَنَا بِهِ مُخَالَفًا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ».

۱۳. «يُرِيدُونَ إِنْ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَرُدُّوا أَهْلَ الْحَقِّ عَمَّا أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ النَّظَرِ فِي دِينِ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ شَيْطَانِ الْإِنْسِ مِنْ أَهْلِهِ؛ فَإِنَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ إِنْ اسْتَطَاعُوا صَدُّوكُمْ عَنِ الْحَقِّ».

۱۴. «وَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْفَعُهُمْ عَنْكُمْ لَسَطُوا بِكُمْ؛ فَإِنَّهُمْ إِنْ سَمِعُوا مِنْكُمْ فِيهِ شَيْئًا عَادُوكُمْ عَلَيْهِ وَ رَفَعُوهُ عَلَيْكُمْ - وَ جَهَدُوا عَلَى هَلَاقِكُمْ وَ اسْتَقْبَلُوكُمْ بِمَا تَكْرَهُونَ؛ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۲۸ / ۴۱)».

اهدافشان را استفاده از حيله، مکر، فریب و وسوسه می‌داند؛ شیوه‌ای که در آیات متعددی به آن اشاره شده^۲ و به تعبیر قرآن، اهل باطل برای پیشبرد اهدافشان، در شب و روز، بدان مشغول‌اند: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا﴾ (سبأ: ۳۴/۳۳)^۳.

۴-۲- مباحت اخلاقی

از آنجاکه تشکیل جامعه انسانی برتر که درجات انسانی بالاتر در افراد آن اجتماع شکوفا شده، یکی از اهداف مهم امامان معصوم (ع) است؛ دعوت مردم به زندگی بر مبنای رعایت اخلاق فردی و اجتماعی و سرلوحه قرار دادن مناسبات اخلاقی در ابعاد مختلف زندگی، همواره مورد تأکید اهل بیت (ع) بوده است. بر این اساس مباحث اخلاقی در نامه حضرت از دو بخش اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تشکیل شده است.

۴-۲-۱- اخلاق فردی

مقوله‌هایی که در این بخش مورد تحلیل کیفی قرار می‌گیرند به‌وسیله تحلیل محتوای کمی از متن استخراج شده‌اند؛ بر این اساس در بخش اخلاق فردی مقوله‌های ارتباط با خداوند و ارتباط با خود بررسی می‌شوند.

۴-۲-۱-۱- ارتباط با خداوند

حضرت اصحاب را به ارتباط مستقیم با خداوند؛ به‌وسیله نماز، ذکر، دعا، مسألت و تسبیح الهی سفارش و با برشمردن آثار این اعمال از قبیل برآورده شدن حوائج و استجابت دعای بندگان^۴، افزایش رتبه در بهشت و پاداش اخروی^۵، بهره‌مندی از خیرات الهی^۶ رستگاری و نجات از عذاب الهی^۷، پیروان خویش را به سوی دعا و ارتباط با خداوند ترغیب و برای کارسازی بیشتر فواید این ارتباط و بهره‌مندی بیشتر ایشان از آن، بر استمرار و مداومت بر

۱. «فَإِنَّ لَشَيَاطِينَ الْإِنْسِ حِيلَةً وَ مَكْرًا وَ خَدَائِعَ وَ وَسْوَسَةَ بَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ؛ وَ لَا يَرُدُّنَّكُمْ عَنِ النَّصْرِ بِالْحَقِّ الَّذِي خَصَّكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنْ حِيلَةٍ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ مَكْرِهِمْ؛ وَ حِيلُهُمْ وَ سَوَاسُ بَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ».

۲. از جمله: (آل عمران: ۵۴/۳)، (الأنعام: ۱۲۳/۶ و ۱۲۴)، (الأنفال: ۳۰/۸)، (یوسف: ۱۰۲/۱۲)، (الزهد: ۳۳/۱۳ و ۴۲)، (ابراهیم: ۴۶/۱۴)، (التحل: ۱۶/۲۶ و ۴۵ و ۱۲۷)، (التمل: ۲۷/۵۰ و ۷۰).

۳. برای مطالعه بیشتر ر. ک: فتاحی زاده و دیگران، ۱۴۰۰، سراسر اثر.

۴. «فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ... سَلُوا اللَّهَ... سَلُوهُ أَنْ...».

۵. «وَ قَدْ وَعَدَ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِسْتِجَابَةِ؛ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يُدْرِكُوا نَجَاحَ الْحَوَائِجِ عِنْدَ رَبِّهِمْ بِأَفْضَلِ مِنَ الدُّعَاءِ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَ التَّصَرُّعِ إِلَى اللَّهِ وَ الْمَسْأَلَةِ لَهُ».

۶. «وَ اللَّهُ مُصَيِّرٌ دُعَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ عَمَلًا يَزِيدُهُمْ فِيهِ الْجَنَّةَ».

۷. «وَ أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَ التَّقْدِيسِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَ التَّصَرُّعِ إِلَيْهِ وَ الرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي لَا يَقْدِرُ قَدْرُهُ وَ لَا يَبْلُغُ كُنْهَهُ أَحَدٌ».

۸. «وَ أَحْيَبُوا اللَّهَ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ لِتُفْلِحُوا وَ تَنْجُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ».

ایجاد رابطه با خداوند توصیه می‌نماید^۱؛ همچنین به رذیله‌ی کبر بر خداوند که ممکن است مانع ایجاد این ارتباط گشته، اشاره نموده و اصحاب را از آن بر حذر می‌دارد^۲.

۴-۲-۱-۲- ارتباط با خود

آنچه حضرت درباره موضوع ارتباط با خود و تربیت فردی بیان فرموده است بر اساس بسامد به ترتیب در مقوله‌های صبر و حفظ آرامش، دوری از هوای نفس، کنترل زبان، رعایت تقوا، الگو گرفتن از صالحان قرار می‌گیرد.

سیره امامان معصوم (ع) به‌گونه‌ای است که همواره صبر و حفظ آرامش را مورد تأکید قرار داده‌اند. بر این اساس حضرت در قسمت‌های مختلف این نامه، پیروان خود را به صبر و آرامش فراخوانده و با تکرار این دعوت در فرازهای مختلف، بر آن تأکید می‌نماید. توصیه به صبر^۳ و دعوت به آرامش، در این نامه، با تکرار واژگان «مَهْلًا مَهْلًا» «دعه»، «وقار» و «سکینه» صورت گرفته است^۴.

از آنجاکه، اغلب انسان‌ها در حال نعمت و بلاء دچار تغییرات روحی و چه بسا اعتقادی می‌شوند و ممکن است در اثر این تغییرات گفتار، کردار و حرکات به‌درستی انجام نگیرد، استفاده از کلمات متعدد با معانی متفاوت که در تمام آن‌ها دعوت به آرامش مستتر است، می‌تواند نشان‌دهنده تأکید امام (ع) بر حفظ ثبات روحی، اطمینان و آرامش نفس اصحاب به‌صورت ظاهری و باطنی در گفتار و کردار و حرکات، در شرایط گوناگون باشد تا فعالیت‌ها به‌درستی صورت پذیرد و شرایط قوت‌گرفتن حرکت‌های اصلاحی به وجود آید؛ توصیه‌ای فرازمانی که برای تمام حرکت‌های اصلاحی در هر زمانی می‌تواند مفید واقع گردد.

در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) سفارش‌های بسیاری مبنی بر دوری از هوای نفس شده است. امام صادق (ع) نیز در بخش‌های مختلف نامه بر لزوم کنترل مداوم هوای نفس توصیه و از حریص نمودن نفس بر امور حرام با اصرار بر محرّمات نهی می‌نماید^۵.

یکی دیگر از مباحثی که در مقوله ارتباط با خود موردتوجه حضرت بوده، موضوع زبان است. زبان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط و تعامل انسان با دیگران می‌باشد؛ لذا به‌کارگیری درست آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. امام کاربردهای مختلف این عضو را مدنظر قرار داده و همان‌طور که زبان را نعمتی می‌داند که خداوند به

۱. «أَكْثِرُوا مِنْ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ».

۲. «أَجَارَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ التَّجْبِرِ عَلَى اللَّهِ».

۳. «فَتَصَبِّرُوا؛ صَبِّرُوا النَّفْسَ...»

۴. «فَمَهْلًا مَهْلًا يَا أَهْلَ الصَّلَاحِ؛ فَمَهْلًا مَهْلًا؛ وَعَلَيْكُمْ بِالذَّعَةِ وَالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ».

۵. «فَمَنْ دَانَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ مُخْلِصًا لِلَّهِ وَلَمْ يَرْخُصْ لِنَفْسِهِ فِي تَرْكِ شَيْءٍ مِنْ هَذَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ فِي حِزْبِهِ الْغَالِبِينَ؛ وَإِيَّاكُمْ وَالْإِصْرَارَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ فِي ظَهْرِ الْقُرْآنِ وَبَطْنِهِ؛ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَشْرَهَ أَنْفُسَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ؛ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ بِنَسِ الْحِظِّ الْخَطَرُ لِمَنْ خَاطَرَ اللَّهُ بِتَرْكِ طَاعَةِ اللَّهِ وَرُكُوبِ مَعْصِيَتِهِ».

انسان ارزانی داشته و بدین وسیله آدمی از بهایم، تمایز پیدا کرده است: «فَإِنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُ لِسَانٌ مُّهِياًً لِّلْكَلامِ وَ ذِهْنٌ يَهْتَدِي بِهِ لِلْأُمُورِ لَمْ يَكُنْ لِيَتَكَلَّمْ أَبَداً... وَ اعْتَبِرْ ذَلِكَ مِنَ الْبَهَائِمِ الَّتِي لَا كَلَامَ لَهَا» (مفضل، بی تا، ص ۸۰): «اگر انسان مجهز به زبان گویا و ذهن ادراک‌کننده امور نبود، هرگز قادر بر سخن گفتن نبود... این عبرت از نگرستن در بهایم گنگ حاصل شود». از طرف دیگر بیان می‌فرماید زبان می‌تواند شوم و کشنده شود: «إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فَهُوَ فِي اللِّسَانِ فَأَخْرَجُوا أَلْسِنَتَكُمْ كَمَا تَخْرُجُونَ أَمْوَالَكُمْ وَ أَحْذَرُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تَحْذَرُونَ أَعْدَاءَكُمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَقْتَلُ لِلرِّجَالِ مِنَ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَ حَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ» (طبرسی، ۱۳۴۴، ص ۶۸): «اگر نحسی در چیزی باشد، آن چیز زبان است، پس زبان خود را نگهدارید همان گونه که اموال خود را محفوظ می‌دارید و از هوای نفس بپرهیزید همان گونه که از دشمن پرهیز دارید زیرا هیچ چیز کشنده‌تر از اتباع هوای نفس و گفتارهای بیهوده نیست». بنابراین، زبان همچون شمشیر دو لبه در بردارنده فرصت و تهدید است. حضرت در نگاهی جامع با تبیین استفاده‌های درست و نادرست از زبان و برشمردن پیامدهای گناهان زبان، اصحاب را به سمت کنترل زبان و استفاده صحیح از این نعمت هدایت کرده است.^۱

امام صادق (ع) در فرازهای مختلف نامه، اصحاب را به رعایت تقوا^۲ و ورع^۳ توصیه می‌نماید. از نگاه آن حضرت، تقوا ریشه در معرفت الهی دارد: «وَ التَّقْوَى مَاءٌ يَنْفَجِرُ مِنْ عَيْنِ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ تَعَالَى» (منسوب به امام صادق (ع)، ۱۴۰۰، ص ۵۹). پس هر که معرفتش به خداوند قوی‌تر و کامل‌تر باشد در رعایت تقوا موفق‌تر است؛ لذا توصیه به رعایت تقوا، در نامه حضرت به اصحاب، همواره در تعبیر «اتقوا الله» هم‌نشین لفظ جلاله «الله» قرار گرفته که رابطه انسان با خدا را در درون خود منعکس می‌کند؛ چنانکه این مهم در مورد مفهوم ورع، در تعبیری مانند «ورع عن محارم الله» نیز جریان دارد که می‌تواند بیانگر متوجه ساختن و هدایت اصحاب به سوی حالتی از مراقبه و در نظر داشتن خداوند در امور خویش، پرهیز از محرّمات و تطهیر اعمال باشد.

به دلیل ویژگی الگوپذیری انسان و نقش آن در تربیت افراد، حضرت در بخش‌های مختلف، صالحان، مؤمنان و پیامبران را به عنوان الگو معرفی نموده و خصوصیات ایشان از جمله عدم اصرار بر محرّمات، صبر، وقار، سکینه، حلم، فروتنی، ورع از محارم الهی، راست‌گویی، اجتهاد در طاعت الهی، وفا به وعده و حیا را برمی‌شمارد^۴ و

۱. «وَ كَفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تُذَلِّقُوا أَلْسِنَتَكُمْ بِقَوْلِ الزُّورِ وَ الْبُهْتَانِ وَ الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ فَإِنَّكُمْ إِنْ كَفَفْتُمْ أَلْسِنَتَكُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ مِمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ كَانَ خَيْراً لَكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ مِنْ أَنْ تُذَلِّقُوا أَلْسِنَتَكُمْ بِهِ فَإِنَّ ذَلَقَ اللِّسَانُ فِيمَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ وَ مَا نَهَى عَنْهُ مَرَدَاةٌ لِلْعَبْدِ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَمَّتْ مِنَ اللَّهِ وَ صَمَّ وَ عَمَى وَ بَكَمُ يَوْمَئِذٍ اللَّهُ إِيَّاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَتَصَبَّرُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ: ﴿صَمَّ بَكْمُ عَمَى فُهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ يَعْنِي لَا يَنْطِقُونَ ﴿وَ لَا يُؤَدُّنَ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ﴾».

۲. «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينَ؛ اتَّقُوا اللَّهَ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ التَّاجِئَةَ؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ».

۳. «وَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ وَ عَلَيكُمْ يَهْدَى الصَّالِحِينَ... وَ وَرَعِهِمْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ».

۴. «الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ إِذَا نَسُوا شَيْئاً مِمَّا اشْتَرَطَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ عَرَفُوا أَنَّهُمْ قَدْ عَصَوْا اللَّهَ فِي تَرْكِهِمْ ذَلِكَ الشَّيْءَ فَاسْتَغْفَرُوا وَ لَمْ يَعودُوا إِلَى تَرْكِهِ؛ ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ أَنْ يُعْطِيَكُمْ الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ مِثْلَ الَّذِي أُعْطَاهُمْ؛ وَ عَلَيكُمْ يَهْدَى الصَّالِحِينَ وَ قَارِهِمْ وَ سَكِينَتِهِمْ وَ حِلْمِهِمْ وَ تَحَشُّعِهِمْ وَ وَرَعِهِمْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ صِدْقِهِمْ وَ وَفَائِهِمْ وَ اجْتِهَادِهِمْ لِلَّهِ فِي الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ».

به‌عنوان راهکار عملی برای نیل به این خصوصیات، به الگو گرفتن از ایشان و توجه به سیره‌ی آن‌ها توصیه می‌نماید؛ همچنین برای برجسته‌سازی این الگوگیری به آثار عملی آن، که رسیدن به مقام و منزلت صالحان در نزد خداوند است، اشاره می‌کند^۲ تا اصحاب به‌سوی این الگوپذیری هدایت‌شده و بدین ترتیب مقدمه‌ای برای تکامل فردی و به‌تبع آن تعالی اجتماعی فراهم آید.

۴-۲-۲- اخلاق اجتماعی

در بخش اخلاق اجتماعی مقوله ارتباط با مردم که زیرمجموعه‌های آن عبارت‌اند از: ارتباط با اهل باطل، ارتباط با عامه مردم و ارتباط با هم‌کیشان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج تحلیل محتوای کمی، مقوله ارتباط با اهل باطل، سپس مقوله ارتباط با هم‌کیشان و پس‌از آن، مباحث ارتباط با عامه مردم بیشترین فراوانی را داشته‌اند؛ لذا مقوله‌های بیان‌شده، به ترتیب برآمده از تحلیل محتوای کمی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۲-۱- چگونگی ارتباط با اهل باطل

آنچه حضرت در رابطه با شیوه ارتباط با اهل باطل بیان فرموده در مقوله‌های توصیه به صیانت از اعتقادات^۳، رعایت تقیه^۴، مدارا^۵، توجه و باور به نصرت الهی^۶ قرار می‌گیرد.

در مجموع از بیانات حضرت در مقوله «ارتباط با اهل باطل» می‌توان استنباط نمود که امام (ع) اصحاب را سفارش به همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل باطل، ضمن حفظ نیروها، اعتقادات، کرامت و منزلت ایشان می‌نماید؛ راهکاری که سبب می‌شود از هدررفتن نیروها برای ستیزه‌جویی و نزاع و... جلوگیری شود و نشان‌دهنده این امر

۱. «وَعَلَيْكُمْ بِالْحَيَاءِ وَ التَّنَزُّهِ عَمَّا تَنَزَّهُ عَنْهُ الصَّالِحُونَ قَبْلَكُمْ؛ وَ عَلَيْكُمْ بِالْمَحَافَظَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِي كِتَابِهِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ؛ سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلَاؤُا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ» ثُمَّ قَالَ: «وَ إِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبِّرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا».

۲. «فَإِنَّكُمْ إِنْ لَمْ تَفْعَلُوا ذَلِكَ لَمْ تَنْزِلُوا عِنْدَ رَبِّكُمْ مَنزِلَةَ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ».

۳. «دِينُوا فِيْمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ إِذَا أَنْتُمْ جَالِسْتُمُوهُمْ وَ خَالَطْتُمُوهُمْ وَ نَارَعْتُمُوهُمْ الْكَلَامَ؛ وَ لِيُبَيِّرُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّهِمْ؛ وَ أَبْغَضُوا فِي اللَّهِ مَنْ خَالَفَكُمْ؛ وَ لَا تَبْدِلُوهَا لِمَنْ رَغِبَ عَنْ صِفَتِكُمْ وَ عَادَاكُمْ عَلَيْهَا وَ بَعَى لَكُمْ الْعَوَائِلَ؛ ثُمَّ نَهَى اللَّهُ أَهْلَ النَّصْرِ بِالْحَقِّ أَنْ يَتَّخِذُوا مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ لِيَاءٍ وَ لَا نَصِيرًا».

۴. «فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ مُجَالَسَتِهِمْ وَ مُحَاظَتِهِمْ وَ مُنَازَعَتِهِمْ بِالْكَلَامِ بِالْتَّقِيَّةِ الَّتِي أَمَرَكُمُ اللَّهُ أَنْ تَأْخُذُوا بِهَا فِيْمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ؛ لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَظْهَرُوهُمْ عَلَى أُصُولِ دِينِ اللَّهِ؛ وَ لَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى - وَ إِمَامَتَكُمْ وَ دِينَكُمْ الَّذِي تَدِينُونَ بِهِ عُرْضَةً لِأَهْلِ الْبَاطِلِ».

۵. «تَحَمَّلُوا الصَّبْرَ مِنْهُمْ وَ إِيَّاكُمْ وَ مُمَاطَتِهِمْ؛ فَتَحَمَّلُوا مِنْهُمْ؛ وَ حَتَّى تَكْظُمُوا الْغَيْظَ الشَّدِيدَ فِي الْأَذَى فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَحْتَرِ مُوْنَهُ الْإِيكُمُ؛ فَتَصَبِّرُوا عَلَى ذَلِكَ مِنْهُمْ؛ سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلَاؤُا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ»؛ فَصَبِّرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا؛ وَ إِيَّاكُمْ وَ مُمَاطَةَ أَهْلِ الْبَاطِلِ».

۶. «وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ؛ إِنَّ اللَّهَ أْتَمَّ لَكُمْ مَا آتَاكُمْ مِنَ الْخَيْرِ؛ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ الْحَافِظَةُ اللَّهُ لَهُمْ أَمْرُهُمْ؛ وَ مَنْ نَصَرَهُ اللَّهُ غَلَبَ وَ أَصَابَ الظَّفَرَ مِنَ اللَّهِ؛ يَعْصِمُكُمْ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ».

است که حفظ اصحاب، اعتقادات، کرامت و منزلتشان برای امام صادق (ع) در اولویت بوده است؛ زیرا هر فردی برای جبهه‌ای که در آن پیکار می‌کند نیرو و سرمایه است و حداکثر کوشش برای حفظ این نیروها و سرمایه‌ها باید به کار برده شود؛ به این دلیل که وظیفه یک فرد مبارز در مبارزه تنها این نیست که حریف را بکوبد، خود نگهداری تا حد امکان نیز، وظیفه مبارز است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۷۸). به باور برخی پژوهشگران، از دیدگاه حضرت، اقدامات ساده و شتاب‌زده علیه اهل باطل نه تنها دوام نمی‌آورد، بلکه سبب می‌شود فرصت طلبان از آن بهره‌برداری کنند و نتیجه‌ای جز شکست و نابودی نخواهد داشت (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۳۶۵).

۴-۲-۲- چگونگی ارتباط با هم‌کیشان

در نامه حضرت توصیه‌هایی مبنی بر چگونگی تعامل با مسلمانان وجود دارد که تحت مقوله ارتباط با هم‌کیشان قرار گرفته است. این توصیه‌ها در دو بخش دوستی و همکاری^۱، توجه به رفاه عمومی جامعه و توازن اقتصادی^۲ قابل بررسی است.

از توصیه‌هایی که امام صادق (ع) در رابطه با شیوه ارتباط با هم‌کیشان می‌نماید، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که این موارد، رهنمودهایی در جهت توانمندسازی اصحاب از درون، به کمک یکدیگر و یا به عبارتی جامعه‌سازی بوده است. جامعه‌ای که بر مبنای همکاری، دوستی و حفظ کرامت افراد استوار شده و با توجه و حمایت از اقشار محروم اقتصادی و ایجاد توازن اقتصادی در آن توانمند می‌گردد^۳.

با بررسی توصیه‌های امام می‌توان استراتژی حضرت جهت رسیدن به رفاه عمومی و ایجاد توازن اقتصادی در جامعه را بر مبنای تعاون، همکاری و انتقال تعامل‌های اجتماعی به فضای نوع دوستی و اخوت ایمانی دانست^۴. به‌عبارت‌دیگر در نامه امام صادق (ع) از ظرفیت‌های اخلاقی و تربیتی، حتی به‌عنوان راهکاری برای مسائل اقتصادی استفاده شده است.^۵

۱. «وَلْيُعِنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؛ وَابْدُلُوا مَوَدَّتَكُمْ وَنَصِيحَتَكُمْ لِمَنْ وَصَفَ صِفَتَكُمْ؛ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُعِينُوا عَلَيَّ مُسْلِمٍ مَظْلُومٍ؛ فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ مَعُونَةَ الْمُسْلِمِ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ».
۲. «فَإِنَّهُ قَدْ اشْتَرَطَ مَعَ وَلَايَتِهِ وَوَلَايَةِ رَسُولِهِ وَوَلَايَةِ أَيْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ: إِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيْتَاءَ الزَّكَاةِ وَإِقْرَاضَ اللَّهِ قَرْضًا حَسَنًا».
۳. «وَإِيَّاكُمْ وَإِعْسَارَ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تُعْسِرُوهُ بِالشَّيْءِ يَكُونُ لَكُمْ قَبْلَهُ وَهُوَ مُعْسِرٌ فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُعْسِرَ مُسْلِمًا وَمَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَظَلَّهُ اللَّهُ بِظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ».
۴. «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ تُجِبُّوهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحُبِّهِمْ، فَمَنْ لَمْ يُحِبَّ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ بِحُبِّهِ، فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَمَنْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَاتَ عَلَى ذَلِكَ، مَاتَ وَهُوَ مِنَ الْغَاوِينَ».
۵. «وَعَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَتَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَهُ حَاقِرٌ مَاتَتْ وَقَدْ قَالَ أَبُونَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ: أَمْرِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ حَقَّرَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَقْتَ مِنْهُ وَ الْمُحَقَّرَةَ حَتَّى يَمُوتَهُ النَّاسُ وَاللَّهُ لَهُ أَشَدُّ مَقْتًا».

۴-۲-۲-۳- چگونگی ارتباط با عامه مردم

امام صادق (ع) توصیه‌هایی به اصحاب درباره نحوه ارتباط با عموم مردم دارند؛ طبق نتایج به دست آمده از تحلیل محتوای کمی، این رهنمودها محدود بوده و میزان فراوانی آن در کل نامه ۳٪ می‌باشد. این سفارش‌ها عبارت‌اند از رعایت تقیه^۱، حسن معاشرت^۲ و نیکی به یکدیگر^۳، پرهیز از کبر^۴، ستمگری^۵ و حسد^۶. این توصیه‌ها ضمن توجه دادن اصحاب به رعایت تقیه و جانب احتیاط در ارتباط با مردم، در بردارنده رعایت اصول اخلاقی در ارتباطات جمعی نیز می‌باشد. حضرت در حدیثی علت این امر را تشویق و جذب مردم به دین بیان کرده، می‌فرماید: «حکومت بنی‌امیه با شمشیر، ظلم و جور سرپا بود و اما امامت ما با نرمی، الفت با همدیگر، وقار، تقیه، خوش برخوردی، پرهیزکاری و اجتهاد همراه است. پس مردم را در دینتان و در آنچه شما بر آنید، تشویق کنید.»^۷ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ج ۱۶، ص ۱۶۵) و در حدیثی دیگر نتیجه برخورد مناسب با مردم را حفظ خود از آزار دیگران دانسته و می‌فرماید: «هر که دست آزارش را از سر مردم بردارد، فقط یک دست از آن‌ها باز داشته، ولی در مقابل دست‌های بسیاری از آزار او خودداری کنند»^۸ (کلینی، ۱۴۲۹ ج ۳، ص ۳۰۶).

شکل شماره ۲ ساختار هندسی نامه امام صادق (ع) به اصحاب را بر مبنای تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد.

۱. «وَقَالَ: «دَعُوا رَفْعَ أَيْدِيكُمْ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً حِينَ تَفْتَحُ الصَّلَاةَ فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ شَهِرُوكُمْ بِذَلِكَ».

۲. «وَجَامِلُوا النَّاسَ».

۳. «وَأَحْسِنُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ».

۴. «وَيَاكُمْ وَالْعِظَمَةَ وَالْكَبْرَ».

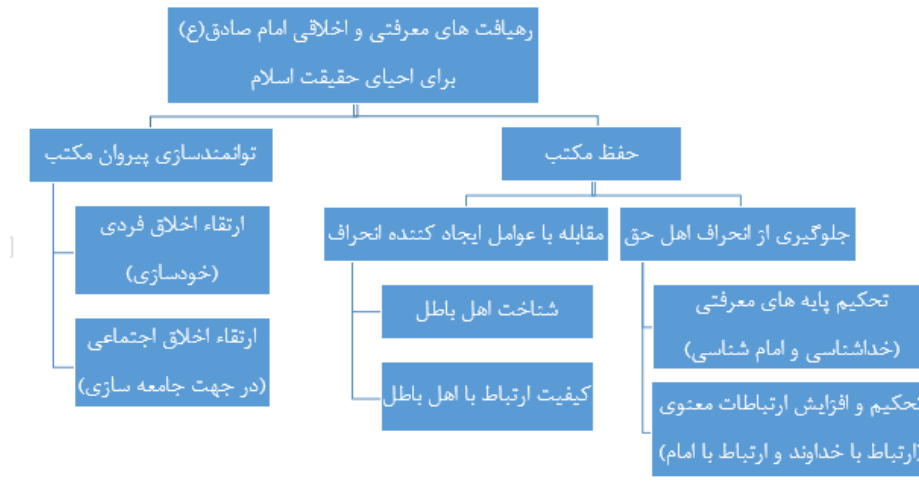
۵. «وَيَاكُمْ أَنْ يَبْغِيَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ».

۶. «وَيَاكُمْ أَنْ يَحْسَدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا».

۷. «أَنَّ إِمَارَةَ نَبِيِّ أُمِّيَّةٍ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعُسْفِ وَالْجَوْرِ وَأَنَّ إِمَارَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّأَلُفِ وَالتَّقْوَى وَالتَّحْيِيَّةِ وَحُسْنِ الْخُلُقَةِ وَالتَّوَقُّرِ وَالإِجْتِهَادِ

فَرَعَبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَفِيمَا أَنْتُمْ فِيهِ».

۸. «مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ، فَإِنَّمَا يَكْفُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً، وَ يَكْفُونَ عَنْهُ أَيْدِي كَثِيرَةً».



شکل ۲. ساختار درختی رهیافت‌های معرفتی و اخلاقی امام صادق (ع) بر اساس تحلیل محتوای کیفی

نتیجه‌گیری

از اهداف نامه امام صادق (ص) حفظ حقیقت اسلام است. تصحیح و تحکیم معرفت توحیدی و ارتباط با خداوند عاملی بنیادین در حفظ هویت اصیل اسلامی دانسته شده است و در این میان معرفت به امام و اهتمام بر لزوم ارتباط و تمسک همیشگی اصحاب با امام و بهره‌مندی از شأن هدایتگری این بزرگواران در راستای جلوگیری از انحراف از مسیر حق است.

استراتژی حفظ مکتب، افزون بر مقابله با انحراف، نیازمند شناخت عوامل موجد انحراف است. امام (ع) با رهنمود به صیانت از اعتقادات، رعایت تقیه، مدارا و باور به نصرت الهی، اصحاب را سفارش می‌کند، ضمن حفظ نیروها، اعتقادات، کرامت و منزلت، همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل باطل داشته باشند.

مهم‌ترین توصیه‌های حضرت برای خودسازی و ارتقای اخلاق فردی که مقدمه اخلاق اجتماعی است، عبارت‌اند از: صبر، کنترل نفس و زبان، تقوا، الگوگیری از صالحان؛ که در کنار توصیه به خُلقیاتی اجتماعی در ارتباط با هم‌کیشان مانند دوستی و همکاری و توجه به رفاه عمومی آمده است.

توصیه‌های امام صادق (ع) در موضوع اخلاق فردی و اجتماعی جهت توانمندسازی پیروان، به صورت فردی و اجتماعی، از درون و به کمک یکدیگر است تا جامعه‌ای بر مبنای همکاری، دوستی و حفظ کرامت افراد با توازن اقتصادی حاصل گردد.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم: دارالقرآن کریم، ۱۳۷۳ ش.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول*؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. ابن غضائری، احمد بن حسین؛ *رجال ابن الغضائری*؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ق.
 ۳. ابن قاریاغدی، محمد حسین؛ *البضاعة المزجاة*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
 ۴. بروجردی، آقا حسین؛ *جامع أحادیث الشيعة*؛ تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.
 ۵. جعفریان، رسول؛ *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)*؛ قم: مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
 ۶. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *الفصول المهمة فی أصول الائمة*؛ قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ ق.
 ۷. _____؛ *وسائل الشيعة*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
 ۸. حلّی، حسن بن یوسف؛ *رجال العلامة الحلّی*؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
 ۹. سروقد مقدم، سمیه؛ *تحلیل محتوای نامه‌ی امام صادق (ع) به اصحاب*؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۹۸ ش.
 ۱۰. صفائی اصل، مهدی و ارتقائی، مهدی؛ *توحید افعالی در آثار امام صادق علیه السلام*، دو فصلنامه معارف عقلی، شماره ۳۵، ۱۳۹۶ ش.
 ۱۱. طبرسی، علی بن حسن؛ *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*؛ ج ۲، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۴۴ ش.
 ۱۲. طوسی، محمد بن حسن؛ *رجال الشيخ الطوسی*؛ نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۱ ق.
 ۱۳. _____؛ *الفهرست*؛ نجف: المكتبة المرتضویة، بی تا.
 ۱۴. فتاحی زاده و دیگران؛ *شناخت اهل باطل بر مبنای تحلیل محتوای نامه امام صادق (ع) به اصحاب*؛ مطالعات فهم حدیث، سال هفتم، شماره دوم، ۱۴۰۰ ش.
 ۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی؛ *الوافی*؛ اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ ق.
 ۱۶. قاسمی، جمال‌الدین؛ *قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث*؛ به کوشش محمد بهجه بیطار، بیروت: دارالنفایس، ۱۴۲۷ ق.
 ۱۷. قمی، عباس؛ *سفینه البحار*؛ قم: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۸. کشی، محمد بن عمر؛ *رجال الکشی*؛ مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
 ۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
 ۲۰. گلستانه، سید علاء‌الدین محمد؛ *منهج الیقین*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
 ۲۱. مازندرانی، محمد صالح بن احمد؛ *شرح الکافی: الأصول و الروضة*؛ تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
 ۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*؛ به کوشش: هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
 ۲۳. محمدی‌شهری، محمد؛ *مبانی شناخت*؛ قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۵ ش.
 ۲۴. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۳۰ ق.

۲۵. مطهری، مرتضی؛ *انسان و سرنوشت، علل گرایش به مادیگری*؛ ج ۱ از مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. مفضل بن عمر؛ *توحید المفضل*؛ به کوشش کاظم مظفر، قم: داوری، بی تا.
۲۷. منسوب به امام صادق (ع)؛ *مصباح الشریعة*؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۲۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ *معجم رجال الحدیث*؛ قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۶۹ ش.
۲۹. مهدوی‌راد، محمدعلی و عطاءالله جباری، امیر؛ «محمد بن سنان از ویرای دیدگاه‌ها»، دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره هشتم، پائیز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ *کشف المراد شرح فارسی تجرید الاعتقاد*؛ به کوشش ابوالحسن شعرانی، شارح علامه حلی، حسن بن یوسف، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۷۲ ش.
۳۲. نوری، حسین بن محمدتقی؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۸ ق.